

کنفرانس اوپک و قدرت خرید درآمد نفت

ظرف سال جاری مسیحي بهای نفت بعثت افزایش بهای محصولات صنعتی و مواد خام از یکسو و تنزل ارزش دلار از سوی دیگر در حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد کاهش یافته است. تا هفته پیش بهای اسی هر بشکه نفت ۴۶ / ۱۰ دلار بود ولی بهای واقعی آن ۱/۸۰ دلار کنفرانس اخیر اوپک که در ۲۴ سپتامبر تشکیل شد بهای نفت را برای هر بشکه فقط ۱۰ درصد افزایش داد یعنی اندکی بیش از یک دلار. اکنون با این افزایش بهای اسی برای هر بشکه ۵۱ / ۱۱ دلار است و قیمت واقعی آن ۴۸ / ۷ دلار بدین ترتیب با آنکه بهای نفت افزوده شده معذک قیمت نفت در واقع ظرف سال جاری لااقل ۲۵ درصد کاهش یافته است. با افزایش ۱ / ۵ دلار بر بهای هر بشکه کنفرانس بین فقط ۵ درصد از کاهش بهای نفت را جبران کرده است. اوپک نتوانست بهای نفت را بنسبت افزایش کالاهای صنعتی و مواد خام دیگر افزایش دهد.

کنفرانس اوپک در وین درباره جایگزین ساختن دلار با پول بین المللی نیز هیچ تصمیمی اتخاذ نکرد. در ماه ژوئن گذشته جلسه اعضای اوپک در لیورپول (کابون) تصمیم گرفت که بعنوان واحد محاسبه درآمد نفت کشورهای تولید کننده پول بین المللی جایگزین دلار گردد. اطلاعات در همان موقع نسبت (۲۲ خرداد ۵۴) بعد از آنکه امری سار (پول بین المللی) عملاً جای دلار را در محاسبه قیمت نفت گرفت، قیمت نفت خام اوپک بین دو تا چهار درصد نسبت به ماعد قیمت جاری آن افزایش خواهد یافت و بعبارت دیگر از ۴۶ / ۱۰ دلار که قیمت کنونی هر بشکه نفت خام است به ۷۰ / ۲۰ دلار خواهد رسید. اطلاعات در همین شماره در امر مخالفی در همین زمینه با خطوط درشت نوشت: اوپک از زندان دلار آزاد شد. اما بندهای دلار آنچنان بردست و پای درآمد نفت پیچیده است که امکان آزادی وی نیست. بهین جهت هم کنفرانس بین تصمیم کنفرانس لیورپول را که ۴ تا ۵ درصد بر بهای نفت میفرود ندیده گرفت و از روی آن گذشت. پول بین المللی نیز در محاسبه قیمت نفت جایگزین دلار نگردد و اوپک همچنان در زندان دلار اسیر باقی ماند.

شاه ایران بارها گفته است که تمیخواهد به پایه های اقتصاد امپریالیسم لطمه ای وارد آید از اینرو کاهش بهای نفت را بتقاضی جبران نکرد و بر ۲۵ درصد تنزل قیمت نفت رسمیت بخشید. جانشین کردن دلار را نیز در محاسبه قیمت نفت با پول بین المللی مسکوت گذاشت.

معذک در مطبوعات ایران اینگونه وانمود میشود که شاه ایران در اوپک نقش انقلابی دارد، خواستار ۲۰ تا ۳۵ درصد افزایش بهای نفت بوده است و در اوپک بعثت این خصلت انقلابی نظریه و کشورهای عربی علیه پیشنهاد ایران توطئه شده است! کیهان با عنوان درشت مینویسد: برای جلوگیری از افزایش قیمت نفت در کشورهای عربی ایران در اوپک توطئه کردند. از قول رابرت لندن میفراید که الجزایر از عربستان سعودی برای جلوگیری از افزایش قیمت نفت حمایت کرد و بالاخره از قول جمشید آموزگار اضافه میکند: کنفرانس اوپک شکستی بزرگ در کنفرانس اوپک متحمل شد.

می بینید که خصلت انقلابی شاه کم کم از مرزهای کشور فراتر میرود و در صحنه جهانی تظاهر میکند. شاه امپریالیسم خد متکبر در سمت امپریالیسم آمریکا افزایش گویا برابر ۲۵-۳۰ درصد پیشنهاد میکند در حالی که الجزایر در صف معتدل است. شاه هم بیرون میرود و در ردیف عربستان سعودی قرار میگیرد!

در واقع شاه و عربستان سعودی در جلسه وین هر دو به اتفاق نقش ترمزکننده افزایش بهای نفت را بازی کردند. شاه خسوف میگوید: بدیهی است بعضی از اعضای اوپک خواستار ۳۵ درصد افزایش بهای نفت و برخی کمتر از آن هستند. همانطوری که میدانید تا جزئیات نه روها هستیم (اطلاعات ۴ مهرماه ۵۴). شاه نمیتوانست برای افزایش بهای نفت رقیب پیشنهاد کند که برای امپریالیسم آمریکا قابل قبول یا لااقل قابل تحمل نباشد. این رقم را شاه بیکار بقید رصفحه ۲

معجزه کشاورزی ایران!

وزیر کشاورزی و صنایع طبیعی در گذشته از اوضاع خراب کشاورزی ایران سخن میگفت و از لحاظ سیاسی نتیجه میگرفت: "کشوری که نبی از خوراکش از خارج میاید چگونه میتواند استقلال داشته باشد". اگر ایران نتواند حد اقل ۸۰ درصد خوراک و مواد اولیه خود را خود تولید کند تابع تصمیمهای دنیائی خواهد شد. در دیماه گذشته وزیر کشاورزی در برابر مجلس سیاست کشاورزی رژیم گفتگویی بنامایندگان مطبوعات داشت: "واردات سنگین مواد غذایی سیاست خارجی کشور را تحت تاثیر قرار داده است و در مواردی که مضیق و با حیره بند میباشند چه مسائل حاد اجتماعی نیز بدنبال آورد". سپس توضیح داد که "میزان تلاش و کوششی که دولت و ملت ایران در مدت این دهساله (آینده) باید بخرج دهند بقدر عظیم است که بدون اتخاذ یک سیاست مشخص و یک فلسفه متین و ثابت (؟!) و اولویت دادن مطلق به کشاورزی و خلق مذ هب و اعتقاد فیکرنکی و صمیمیت در جبران امری گمان نیل چنین هدفی بعید و حتی شاید غیر ممکن باشد" (اطلاعات ۱۶ دی ۵۳) در اینجای از آنکجا یاد میگردد استقلال سیاست ایران گوشزد شده در برنامه کشاورزی ایران آنچنان سیاسترسیم میشود که حتی صحبت از حیره بندی مواد غذایی پیش میاید. این توصیف کاملاً با وضع کشاورزی ایران میخواند و وضعی که کشور ما را در زمینه تمام مواد خوراکی حتی مواد میمانند بیابان و زمین بیخبر محتاج کشورهای دیگر کرده است برای بیرون آمدن از این وضع وزیر کشاورزی آنچنان هفتخوانی ساخته است که غلبه بر آنها در شرایط کنونی ایران از محالات است.

اما امسال یعنی پس از گذشت چندین ماه (هشت ماه) وضع کشاورزی ایران علی رغم واقعات آنچنان در گرونگ میشود که کشور ما فقط هفت تا هشت درصد از محصولات کشاورزی مورد نیاز خود را از خارج وارد خواهد کرد بیکار واردات ۵۰ درصد اگر گفته وزیر کشاورزی (مطلوبات کشاورزی مورد نیاز کشور) ظرف چندین ماه معلوم نیست براترجه معجزه ای به ۷۰ درصد تقلیل میاید. روحانی میگوید: بیش از ۹۰ درصد محصولات کشاورزی مورد بقید رصفحه ۲

خط مشی اصلی ساواک در میان توده ها

جلوگیری از پیدایش و گسترش افکار و سازمانهای انقلابی در توده ها

دروغ نفرت انگیز گوش دادن و گفتن و پیر کردن برنامه آنها از طریق ترتیب کلوبهای مثل کلوب شیرو مردان و شیرو زنان ساخته دست امپریالیسم آمریکا - پائین نگاه داشتن میزان حقوق بد انسان که معلم مجبور شود تمام وقتهای بیکاری را تدریس یا بکار دیگر بپردازد و وقت فکر نکردن نداشته باشد و در دانشگاه مسائل به آوج قدرت خود میرسد. سازمانهای رنگارنگی برای جلب جوانان ایجاد میکنند و برای ورود بانها تسهیلات فراوانی فراهم میسازند و انجمن ایران و آمریکا زه ایران و شوروی، ایران و انگلیس و آنوقت بخیال خود شان با پول دانشجویان را ساکت میکنند، هزینه مسکن، هزینه خوراک، وام، کار (در حقیقت بیکاری) و...

اردوهای دانشجویی هم برآه است. در آن همه مسائل وقت گذرانی های بیپرده و تفریحات مبتذل و حتی کیف فراهم است. اعتراضات دانشجویی را بمسائل غیر اصولی مثل نوع غذا و مسائل پیشرفتات متر سوق میدهند. همسال بر تعداد دختران دانشکده هائی مثل دانشکده فنی و علوم و حقوق که در آنجا جنبش آوج بیشتری دارد اضافه میکنند و بدینسان محیطی ایجاد میکنند که در آن جوان محروم شهرستانی فریفته شود و در عقایدش برای مبارزه خلیل وارد گردد. دانشکده هارا از یکدیگر جدا میسازند. مانند جدا ساختن قسمت دانشکده برق از بقیه دانشکده ها یا قسمت فیزیک از دانشکده علوم و آنها را به بوردست تغییر مکان میدهند. در خوابگاهها مانع تماس زیاد دانشجویان یا دانشجویان که در داخل هستند یا از خارج میایند میشوند. اطاقهای دانشجویان اقلاً هفتهای یکبار مورد تقشش بهائی قرار میگیرند بسیاری مستخدمین مامور گزارش از تمام سخنانی هستند که در حین کار از دانشجویان در اطاقهایشان یا بر میز غذا میشوند از طرز رفتار این دانشجویان هم گزارش بقید رصفحه ۲

در سطح مدارس ششستوی مغزی ادامه مییابد. صبحها اگر با ران و برف مانع نشود کودکان معصوم باید سرود پرچم نمایند. از اجراع را بخوانند. برای خدمت بدشمن بزرگشان شاهنشاه بزرگ خائنان سوگند یاد کنند. بجای مرکز که آرزوی همه ملت ایران است ادامه زندگیش را بخواهند و کتابهای درسی راهم که باز کنند از سر این جانوران خون آشام خلاصی ندارند. جانی زندگي نامه نوکرامپریالیسم انگلستان رضاخان جای دیگر قطعه ای از کتابهای فرمایشی انقلاب سفید و "ما موریت برای وطن" و جای دیگر ستایش از توله های درباری زندگي آنها زندگي نمایشی و نه واقف آنها و... هنوز طفلهای پاک در مدرسه یا نگرته اند که باید به تمرینهای رژه بروند. برگزاری روزه های آبان، آبان و سپهر ۱۵ بهمن ۱۵ خرداد ۲۹ اسفند ۲۱ فروردین آغاز میگرد و این تئاتر تا ترانگیز همچنان بجای درین و تربیت این نوهالان ادامه مییابد. و مگر باین انگفا میشود. این موجودات با مغزهای پاک و بی نقش برنامه های از پیش آماده شده دیگری هم برای نقش پذیری بنفع رژیم دارند. فرشتگان، شیرو بیجان، پیشاهنگان شیرو و خورشید سرخ که کار دو سال سرمازی پس از پایان تحصیل را در حقیقت انجام میدهند و در سطح بالاتر کمیته های ملی و میهنی تربیت کودکان برای اجرا برنامه در روزهای جشن های درباری، ترتیب اردوهای سرماز، فساد و تباهی و وسیله وقت کشی و بدآموزی. در سطح دبیرستان علاوه بر تمام آنچه گذشت و فوتبال و مسابقات بی دربی آن در بین کلوبهای گوناگون مواد مخدر اعم از سیگار، حشیش، تریاک، سس و غیره و غیره. ختن معلمان هم از این برنامه در امان نیستند. و ادارات آنها بشرکت در برزهای ملی، سخنرانی کردن و سخنان سرا

سی امین سالگرد حزب کار جمهوری توده های کره

به کمیته مرکزی حزب کار کره رفقای عزیز اجازه دهید سی امین سال تاسیس حزب کار کره را از جانب سازمان توفان شما تهنیت بگویم. تاسیس حزب طبقه کارگر در سی سال پیش در بحبوحه جنگ آزاد بیختر علیه تجاوز زاین، حادثهای تاریخی در زندگی خلق کره بشمار میرود. حزب طبقه کارگر که رفیق کم ایروم آنها بنیاد نهاد و در رأس آن قرار گرفت امکان داد نه تنها جنگ آزاد بیختر به پیروزی انجامد بلکه راه برای گذار به سوسیالیسم و پیروزی سوسیالیسم هموار گردد. خلق کره تحت رهبری حزب کار کره تاکنون کامهای بلندی در راه ساختمان سوسیالیسم برداشته و بیچین در آینده کامهای درخشانتری بر خواهد داشت. امپریالیست های آمریکائی سالها است بادست دولت یونانی که خود برمسند قدرت نشاندید هاند بخش از کشور کره را اشغال کرده اند ما بیچین داریم که خلق کره سرانجام امپریالیست های آمریکائی و سگان زنجیری آنها را از سرزمین کره خواهد راند و وحدت کره را عملی خواهد کرد. سازمان ما بنام خلق ایران موفقیت کامل خلق کره را در امر وحدت سرزمین کره صمیمانه و برادرانه آرزو میکند. بارود های کومنیستی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان ۱۵ اکتبر ۱۹۷۵

جبهه آزاد بیختر ظفار ارتش اشغالگرایران را بدریا خواهد ریخت

نشریات جدید توفان

آنها که زندمانند اثر ژان لافیت
 "پاشنه آهنین" اثر جک لندن
 گزارش کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم و پانزدهم
 حزب کمونیست (بلشویک) شوروی اثر استالین
 سخنرانی در دومین کنگره کمونیستی سازمانهای کمونیستی
 خلق های خاور زمین اثر و. ا. لنین

معجزه... بقیه از صفحه ۱ نیاز کشور در اخل کشور
 تولید میشود و هم آهنگ با افزایش فعالیت های تولید کشاورزی در
 مناطق مختلف میزان واردات محصولات کشاورزی از خارج امسال
 بین ۷ تا ۱۰ درصد از گلبه نیازهای داخلی را تشکیل خواهد داد
 (کیهان ۱۷ شهریور ۵۴)

کشور ما کشور معجزات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نظامی
 است. هر سال در حرق بر روی کاغذ و از نظر آمار جهش های بزرگی
 به پیش میگذرد. در واقعیات نه تنها در جامه زینت بلکه به عقب
 بر میگردد. بنا بر گفته وزیر کشاورزی هشت ماه پیش ایران ۵۰ درصد
 نیازهای کشاورزی خود را از خارج تامین میکرد و اکنون ناگهان این
 نیازها به ۷ درصد تقلیل یافته یعنی آهنگ رشد کشاورزی در سال
 گذشته بیش از ۴ درصد بوده است.

در برنامه پنجساله رشد کشاورزی ۵۰ درصد در نظر گرفته
 شده که وزیر کشاورزی در گذشته آن را تا ۱۰ درصد بالا برد ولی اکنون
 این رقم هم تا ۴ برابر افزایش یافته است. البته برای رژیم شاهچین
 معجزه های اقتصادی عادی است ! !

رشد سالیانه ۴۰ درصد برای کشاورزی ! ؟ بالاخره نظام
 شاهنشاهی بر همه چیز توانا است کافی است شاه اراده کند که رشد
 کشاورزی امسال ۴۰ درصد باشد تا تمام زبانه ها و قلمها بگردند و در
 آیند اراده شاهنشاهی "تحقق" پذیرد. و تحقق آن بطریق
 است که در این خبر اطلاعات کاتفاقا مربوط به همین وزیر کشاورزی
 است می بینید.

این است مفهوم هوائی رشد

رقم رشد کشاورزی در ده سالهای منصرف روحانی وزیر کشاورزی
 با برف و بارانهای چند هفته اخیر همچنان رو افزایش است.
 نزدیکان مهندس روحانی میگویند با برفی که روی زمین می نشیند
 میزان نشی در آن موهبت اسمانی نصیب کشاورزی میکند. بحساب آورده
 با بدست گرفتن قلم و کاغذ مشتاقانه ارقام را پس و پیش میکند.
 برف اخیر تهران اثر برای شهردار پایتخت و وزیر راه مشکلا ایجاد
 کرد برای وزیر کشاورزی بزرگترین نعمت بود. * اطلاعات *

جاده سازی میکند. در نقاط مختلف رستوران میسازد. در
 هر قدم بولنی بعنوان ورود به میگرد. غذاها را با قیمت های
 گزافی میفروشد. متقبل ترین برنامه ها مثل برنامه بدله گویی
 و رقص و آواز در بالای کوه ترتیب میدهد و این برنامه ها در
 کولکچال و شیرپلا اجرا شده است.

این اختناق شدید و این برنامه ها در سطح دیگر
 اجتماع هم اجرا میگردد. برای کارگران دهقانان خرد
 بوزروازی شهری علاوه بر برنامه های همگانی سرگرمیهای خاصی
 ترتیب داده اند.

اما با همه این فعالیت شدید و همه جانبه امیرالایسم
 و نوکرائش در فرزندانش آتش مبارزه توده ها هر چه میگردد این
 آتش تیزتر میگردد و هم اکنون دامن ارتجاع را گرفته است و این
 ارتجاع در حریق است که آخرین تلاش خود را برای باقی ماندن
 انجام میدهد و از آخرین نیروی خود برای سرکوب مبارزات
 خلق ایران بهره میگیرد. این فعالیتها و این تلاشهای همه
 جانبه جز تلاشی بر ضد خود ارتجاع نمیتواند باشد زیرا که هم
 اکنون در زیر فشار و زور و اختناق روزافزون خلق ایران هر
 روز بیدارتر از روز پیش میگردد و هر روز بیشتر خواهان آزادی
 خویش و رهائی از یوغ امیرالایسم و زرخیزدانش شاه خائن و
 یاران خونخوار او میشود.

در حقیقت پیاده کردن تمام این برنامه ها و نقشه ها
 تنها میتواند نماینده گوشه ای از ترس عظیمی باشد که امیرالایسم
 لیسم و نوکرائش با آن دست بگریباندند.
 استقلال بیون ایران هر روز در مقابل این نقشه ها با برنا
 تازه ای ظاهر میشوند و تمام آنها را نقش بر آب میسازند.
 آتش مبارزات توفانی بر علیه امیرالایسم و سگهای زنجیرش
 زنده و جاوید است. پیروزی از آن خلقها و مرگ و نابودی
 از آن امیرالایسم است. این سرنوشتی تخطی ناپذیر است.

کفرانس... بقیه از صفحه ۱
 پس از مشورت با مقامات آمریکائی بر زبان راند و از آن پس دیگر از آن سخن
 میان نیامد فقط یکبار دیگر رقی داد که در انطباق با
 پیشنهاد عربستان سعودی بود.

شاه چندین ماه قبل به مجله آمریکائی "نیوزویک" گفت که افزایش قیمت نفت در حدود ۱۰ تا ۱۱ دلار خواهد بود. اما وقتی
 خبرنگار مجله "اِشتن" آلمانی در مصاحبه خود این رقم را به شاه یادآوری میکند: "خبر شما گفتید چیزی در حدود ۱۰ تا ۱۱ در
 صد" شاه با دست پاچگی می پرسد: "کجا چنین چیزی گفتام؟" خبرنگار "مجله نیوزویک" را نام می برد. شاه: "نه این ارقام درست
 نیست من فکر میکنم که... (لحظهای سکوت) بهر حال بهتر است تا ملاقات اعضا" اوک در سپتامبر صبر کرد. (اِشتن ۱۷ ژوئیه
 ۱۹۷۵) (تکیه از ما است).

می بینید که رقم افزایش ده درصد را شاه ماه ها قبل از تشکیل کفرانس او یک ذکر کرده است. ولی پس از آن در باره رقم
 پیشنهادی مبر سکوت بر لب زد و تمام سئوالهای خبرنگاران را بدون جواب گذاشت فقط یکبار گفت که افزایش بها نباید از ۱۰ تا ۱۱
 صد فراتر رود و این بدان معنی است که این افزایش میتواند ۱۰ یا حتی ۵ درصد و کمتر هم باشد. اینجا است که شاه به موضوع
 عربستان سعودی نزدیک میشود.

در تایید مطلب فوق اردشیر زاهدی، سفیر ایران در آمریکا که مناسباتش با مقامات آمریکائی و سیا بر همه کس معلوم است
 روز ۱۸ سپتامبر یعنی یک هفته قبل از تشکیل کفرانس او یک توضیح داد که "ایران موافق افزایش معتدل قیمت نفت است و کشورش از
 دیگر اعضای او یک که میخواهند در جلسه هفته آینده در وین افزایش همی را تصمص بگیرند فاصله گرفته است. افزایشی که او یک
 تصمص خواهد گرفت احتمالا ۵ تا ۱۰ درصد خواهد بود" (لوموند ۲۰ سپتامبر ۷۵) (تکیه از ما است).

یکی از "ماهتران" نفت ایران که از "غیب" خبر میداد چهار روز قبل از تشکیل جلسه وین رقم افزایش را بطور دقیق بدست
 داده است. او در مقاله ای در باره تصمص او یک در وین مینویسد: "این همان مبلغی است که نویسنده در مقاله قبلی چهار روز قبل
 از تشکیل کفرانس پیش بینی کرد".

بدین ترتیب شاه ماه ها قبل، سفیر ایران در آمریکا یک هفته قبل و "غیب" که چهار روز قبل از تشکیل جلسه وین همه رقم
 واحدی "پیش بینی" میکنند.

روزنامه "کیهان" (۳۰ سپتامبر ۵۴) قبل از تشکیل جلسه او یک با تیت درشت نوشت: "بهای نفت از نیمه مهراه افزایش مییابد" و
 این در موقعی که نه تنها بر سزمقدار افزایش بها اختلاف نظر وجود دارد بلکه بر سز تاریخ شروع افزایش نیز توافق نیست. اگر در
 جلسات او یک اکثریت تصمص گیرنده بود باز میشد گفت که رای اکثریت از قبل بر اثر تبادل نظر معلوم بوده است ولی در تصمصیات
 او یک اتفاق نظر ضروری است و عربستان سعودی پیش از تشکیل جلسه وحتی در جریان روزهای اول نه بر سز افزایش بها نفت
 توافق داشته است و نه بر سز تاریخ شروع آن. پس "پیش بینی" "کیهان" در آستانه تشکیل جلسه که درست هم از آب درآمد چه
 معنی میدهد؟

از حسن سازی محض دعوی ایران و عربستان سعودی این نتیجه حاصل آمد که با میانجیگری دیگران هر دو کشور بر سز افزایش
 ده درصد بهای نفت توافق رسیدند. زکی یعنی که در آغاز "مخالفت" هر گونه افزایش بها نفت یا حداکثر طرفدار افزایش برابر
 ده درصد بود وقتی در پایان جلسه از او پرسیدند آیا راضی هست یا نه جواب داد: "بله، مسلما" و اضافه کرد: "این بهترین
 چیزی بود که میتوانستم بدست آورم" (کیهان ۷ مهر ۵۴). معلوم میشود "بهترین چیز" برای او انجماد بها نفت یا افزایش حد
 اکثر و درصد نبوده است که در آغاز آنهمه بر روی آن یافتاری کرد! "بهترین چیز" ده درصد بها نفت است که از اول اکثر
 (نهم مهراه) هم شروع میشود.

اما مقامات آمریکائی؟

علی رغم تاسف فوری رقم ده درصد قبول مقامات آمریکائی است که آنرا "کم" "منصفانه" توصیف کرده اند.
 در ژانویه گذشته فوراً لایحه بازرگانی اعضا کرد که در یکی از مواد الحاقی آن کلیه کشورهای عضو او یک بدون توجه به اینکه
 در تحریم نفت ۱۹۷۳-۷۴ شرکت کرده باشند یا نه از استفاده از مزایای تعرفه های تجارت با آمریکا محروم شده اند: "اما یکماه
 پیش از تشکیل کفرانس وین" مقامات وزارت امور خارجه آمریکا گفتند که اگر قیمت نفت به میزان کمی مثلا بشکلی یک دلار افزایش یابد
 ممکن است کنگره را از تصمص الحاقیه لایحه فوق باز دارد" (کیهان ۵ شهریور ۵۴) (تکیه از ما است). این فشار اقتصادی آمریکا
 کشورهای او یک را بسوی افزایش "کم" یک دلار برای هر بشکه که بر حسب "تصادف" همان پیشنهاد شاه ایران است سوق داد.
 بازم در تایید افزایش رقم یک دلار معاون خزانه داری آمریکا قریب پانزده روز قبل از تشکیل کفرانس وین "پیش بینی" کرد که
 "افزایش بها نفت احتمالا میان ۱/۵ و ۱ دلار در هر بشکه خواهد بود" (لوموند ۱۲ سپتامبر ۷۵) (تکیه از ما است).
 می بینید که تمام این ارقام با هم میخوانند. آنچه که ماه ها پیش به شاه ایران از "غیب" الهام شده همان رقم مقامات آمریکائی
 است. همان است که واقعیت از آب در آمده است.

بهر تقدیر ده درصد بر بها نفت افزوده شد و در نتیجه سالیانه دو میلیارد دلار بیشتر عاید شاه ایران میگردد. از هم
 اکنون لاشخوهای امیرالایسم بر بالای سر درآمد بیست میلیارد دلار ایران به پرواز درآمده اند و تازمانی که آخرین سنت آنرا
 از کف ایران بدر نیامد آرام نمی نشینند. این امر آنقدر روشن است که محافل امیرالایستی غرب آنرا نمیتوانند بیوشانند. روز
 نامه لوموند مینویسد: "کشورهائی ثروتمند به برکت یک تکیه بانکی که تقریبا انحصار آنرا در دست دارند آنچه را که با یک دست
 پرداخته اند با دست دیگر باز پس گرفته اند" (لوموند ۲۴ سپتامبر ۷۵).

امیرالایسم ها نفت گرانهای ما را می برند، درآمدی را که از فروش نفت حاصل مییابد از کف ما میبریند، در عوض حاد پسر
 زیادی اسلحه تحویل میدهند که شاه بتواند با آنها و با قربانی کردن سربازان و افسران ایران منافع غارتگر آنها را در منطقه
 خلیج فارس حفظ کند. بر در همه حال و از همه جوانب با آنها است. "مجله نیوزویک" از قول شاه مینویسد: "امنیت اروپا بدون
 ثبات و امنیت خلیج فارس واهی است. اروپای غربی، آمریکا و ژاپن خلیج فارس را قسمتی جد ناپذیر از امنیت خودشان میدانند."
 "مجله سپس میافزاید: "و اگر این منطقه را همسایه ای ستشاه می سیارند برای آنست که به او اطمینان کامل دارند".

خط مشی... بقیه از صفحه ۱
 میدهند و از چگونگی
 روابطشان با مستخدمین که تمام این مسائل بندی مهلسک
 است در راه پیشرفت فکری دانشجویان
 در دانشگاه ها و خوابگاهها، کتابخانه های دانشجویی
 مرتبا تحت بازرسی قرار میگیرد. دانشجویانی که در کتابخانه
 کار میکنند و یا بان رفت و آمد دارند و از آن کتاب میگیرند
 مورد سوزن واقع میشوند.
 سازمان حافظ امنیت استشارگران در ایران دو سال است
 که وسیله تازه ای را برای درهم شکستن اجتماعات و اعتصابات
 دانشجویی در پیش گرفته است.
 در روزهای مثل روز ۱۶ آذر (روز دانشجوی) که میدا
 دانشگاه آرام نخواهد نشست برای دانشجویان مسافرت ترتیب
 میدهد مسافرتی که دانشجوی برای رفتن بان نباید هیچ پولسو
 بپردازد. دانشگاه گاه با همه اهمیتی که این روز برایش دارد
 نادانسته تسلیم برنامه های ترتیب یافته رژیم میشود.
 از اجتماعات دانشجویی بطور غلنی هم بوسیله گارد
 دانشگاه جلو میگیرند و یا در هنگام اعتصابات و حتی قبل از
 شروع آن دانشگاه را تعطیل میکنند.
 رژیم حتی از کوهنوردی نیز میهراسد و کوهنورد را خطر
 ناک مییابد.
 اما رژیم نمیتواند کوه را بطور غلنی از جوانها بگیرد و
 آنرا "ملی" اعلام کند. لذا به بازی کیف دیگری دست میزند.

خط مشی... بقیه از صفحه ۱
 میدهند و از چگونگی
 روابطشان با مستخدمین که تمام این مسائل بندی مهلسک
 است در راه پیشرفت فکری دانشجویان
 در دانشگاه ها و خوابگاهها، کتابخانه های دانشجویی
 مرتبا تحت بازرسی قرار میگیرد. دانشجویانی که در کتابخانه
 کار میکنند و یا بان رفت و آمد دارند و از آن کتاب میگیرند
 مورد سوزن واقع میشوند.
 سازمان حافظ امنیت استشارگران در ایران دو سال است
 که وسیله تازه ای را برای درهم شکستن اجتماعات و اعتصابات
 دانشجویی در پیش گرفته است.
 در روزهای مثل روز ۱۶ آذر (روز دانشجوی) که میدا

دسال ... بقیاضصحه ۴ نیزافکندهاست .
 فرستنده " صدای خلق تایلند " طی گزارشی در ۲۲ ژوئیه ۷۵
 چنین میگوید : که خلق تایلند هرگز اجازه نخواهد داد ، که
 پس از اخراج یک قدرت امپریالیستی ، قدرت امپریالیستی دیگری
 جای او را بگیرد . وادامه میدهد که سوسیال امپریالیستهای
 شوروی شیوههای متفاوتی بکار میبرند تا نفوذ تجاوزکارانه خود
 را در تایلند تقویت نمایند . فعالیت های علنی آنها بنام دولت
 شوروی و یا بعنوان فعالیت های فرهنگی و تجاری و فعالیت های
 مخفی جاسوسی و خرابکاری صورت میگیرد . گزارش در خاتمه
 بر این امر تکیه مینماید که خلق تایلند هر روز روشنفکر ماهیت
 حقیقی شوروی را میشناسد . خلق بر هوشیاری خود افزوده
 است و دقیقاً فعالیت های شوروی را دنبال میکند .
 خلق تایلند و نیروهای رزمنده " آزاد بخش مصممانند
 تحت رهبری حزب کمونیست تایلند با سرنگون ساختن رژیم بانکوک
 اخراج امپریالیست های آمریکا و دفع سیاست مداخله گرانه " سوسیال
 امپریالیسم شوروی ، آزادی و استقلال خود را یکپارچه کردند . پیروزی
 از آن آنها است .
 پیروزی مبارزه " بحق خلق تایلند تحت رهبری حزب کمونیست
 تایلند !
 سرنگون باد رژیم سرسبزده " بانکوک !
 مرگ برد و ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی !

چه کسی از ما پشتیبانی کرد؟

اوایل ماه اکتبر رئیس دولت کامبوج سیهانوک پس از
 بازگشت از نیویورک که در آن سخن رانی کرد در پاریس توقف
 کرد . روزنامه " لوموند " با او مصاحبه ای بعمل آورد . وضعا در
 باره شوروی از او پرسید :
 " - روش شوروی را در سالهای جنگ چگونه باید توضیح
 داد ؟

" - به سؤال شما نمیتوان بطور علمی پاسخ گفت و بنابراین
 این در دایره مفروضات باید محدود ماند . روسها چسبیدند
 آیا آنها ضد سیهانوک اند ؟ آنها میگویند که ترکیب کمونیست
 سلطنت طلب را دوست نمیدارند . اما توجه کنید . هنگامی که
 خیو سامیان به جنگ تود فای دست زد ، سفیر شوروی بزرگامیو
 بدیدن من آمد و گفت زخم های سرخ دیوانه اند . او بمن گفت
 که کرملن از من در برابر آنها پشتیبانی خواهد کرد . بدین
 ترتیب پیش از کودتا آنها که سیهانوک بودند و علیه کمونیست ها
 آیا آنها امروز که کمونیست ها و علیه سیهانوک اند ؟ در نیویورک
 یانگ روزی یک مارشال شوروی از فشردن دست من امتناع ورزید
 ولی میخواست گیلاس خود را به گیلاس سرتیگ ساری بزند ...
 کیم ایل سونگ برای من حکایت کرد که پس از آنکه در موقع
 کودتای ۱۹۷۰ کره شمالی ها سفارتخانه خود را در کامبوج
 بستند روسها به آنها گفتند که اشتباه میکنند ، آنها میبایست
 در پنوم پن میمانند زیرا که هرگز سیهانوک و زخمهای سرخ
 جنگ را نخواهند برد و بعلاوه این به آن معنی است کینه
 جا را برای امپریالیسم باز کنیم . روسها باز هم میگفتند که نسبتا
 از چینی ها تقلید کرد . بنابراین " کمونیست های خوب " می
 بایست همچنان نمایندگی خود را در دولت لئون تول حفظ میکرد
 یک کمونیست دیگر این بار اروپائی روزی بمن گفت : " روسها
 همیشه در طرفی میباشند که قدرت در آنجا است " . خودتان
 نتایجی را که میتوانید از این گفته ها بیرون بکشید .

گفته شد که مسکو علیه ما برانگیخته بود چون یکن بما
 کمک میکرد . وقتی کودتا روی داد من اول به مسکو رفتم کاسینگو
 از من در حرفی پشتیبانی کرد و نیز بمن گفت " چینی هاشما
 را طرد خواهند کرد " . چون لای اخیرا این حادثه را بیاد
 من آورد . در واقع هم چه کسی از ما پشتیبانی کرد ؟ چه کسی ما
 را طرد کرد ؟
 خلق قهرمان کامبوج و در پیشاپیش آن کمونیست ها قهرمان
 جان باختند ، امپریالیسم آمریکا و سکان زنجیری وی را بدینا
 ریختند و استقلال و آزادی خود را بدست آوردند . روسها از

ارتش شوروی ... بقیاضصحه ۴
 کشور خود کرد . روزیونست ها از وجود چند هزار مستشار آمریکائی در ایران ناله و فغان سر میدهند و خلق های ایران خوب
 میدانند که ارمغان این مستشاران جز اسارت و عقب ماندگی و خفقان نیست . اما همین روزیونست ها در باره وجود بیست هزار
 مستشار نظامی شوروی در مصر و هزاران مستشار شوروی در کشورهای دیگر سکوت میکنند و بر آن صحنه میگذرانند : آنها چنانچه
 مستشاران روسی جایگزین مستشاران آمریکائی شوند از آن با شغف تمام استقبال میکنند . شاید رفتار کارشناسان نظامی روسی با
 افسران ، سربازان و مردم کشوری که به آن کسپل میکردند با رفتار آمریکائیان متفاوت است . نمونه مصر نشان میدهد که این رفتار
 به مراتب تحقیر آمیزتر و شونیستی تر است . نمونه مصر نشان میدهد که کارشناسان شوروی در کشورهای دیگر مانند کارشناسان
 آمریکائی فقط به منافع استعماری کشور خود می اندیشند و نه به منافع کشوری که در آن بخدمت گرفته شده اند .
 در شوروی اقتصاد بر محور اقتصاد جنگی می چرخد . بیش از نیمی از موسسات صنعتی کاملا یا قسما برای تسلیحات کار
 میکنند در حالی که بعلت کمبود تراکتور ، کمباین و کود های شیمیائی ، نقشه های کشاورزی بهد فهای خود دست نمی یابند . وضع
 صنایع مصرفی نیز چنین است . مردم شوروی در مطبوعات از کمیابی و نامرغوبی اشیای مصرفی ، از وضع خراب مسکن خود شکایت دارند
 آنها باید ساعت ها برای میوه ، سبزی ، لباس ، کفش ، یخچال و غیره در صف بایستند . در نتیجه کمبود تولید آیسین
 نیازمند یبهای مردم ، بازار سیاه رواج کامل دارد . در عوض در کار تولید تسلیحات و تکمیل آنها کوچکترین وقفه ای روی نمیدهد
 هزینه نظامی شوروی بخش بزرگی از درآمد ملی بلعد . دولت شوروی عوامفریبانه بودجه نظامی خود را چند برابر کمتر
 اعلان میکند برای آنکه بر مسابقه تسلیحاتی خود سرپوش بگذارد . در واقع بودجه نظامی شوروی دست کمی از بودجه نظامی
 آمریکاندارد (یکصد میلیارد دلار) . در غیر اینصورت پیشرفتهای شوروی در زمینه نیروی انسانی و راکت های حامل آن و توسعه تسلیحات
 هوائی و دریائی و بطور کلی برتری نیروی نظامی شوروی در بسیاری از زمینه ها بر آمریکا قابل توجه نیست . چگونه ممکن است مخارج
 نظامی شوروی آنطور که اعلان میشود یک چهارم یا یک پنجم بودجه نظامی آمریکا باشد و شوروی موفق شود قدرت نظامی آمریکا را
 پشت سر بگذارد .

نیروی نظامی در
 های این کشور با اصطلاح سوسیالیستی بهیچوجه دفاعی نیست ، تجاوزی است . نیروی دریائی عظیم
 شوروی که بر سراسر
 و اقیانوسها سلطه است بخاطر دفاع از مرزهای شوروی نیست ، بخاطر تامین سیاست امپریالیستی
 تجاوزکارانه وی در سراسر جهان است . بیپرده نیست که شوروی مانند آمریکا با توسعه آبهای ساحلی کشورهای آمریکائی جنوبی
 تا ۲۰۰ میل مخالفت میورزد . توسعه آبهای ساحلی این کشورها تا ۲۰۰ میل چرا و چگونه دفاع از مرزهای شوروی را در مخاطره
 می اندازد ؟ آیا جز اینست که در این مخالفت خود از سیاست تجاوز و عارت پیروی میکند ؟ آخر مرزهای شوروی کجا و سواحل
 کشورهای آمریکائی جنوبی کجا !

کشورهای ساحلی مدیترانه و کشورهای ساحلی اقیانوس هند بارها اعلام داشته اند که میترانه و اقیانوس هند متعلق بآنها
 است و دوا بر قدرت باید ن وگان جنگی و جاسوسی خود را از آنجا بیرون بکشند و پایگاههای نظامی خود را برچینند . اما دوا بر
 قدرت برای ندای خلق ها گوش شنو اند . روشن است که ناوگان نظامی شوروی در مدیترانه و اقیانوس هند که روز بروز بر تعداد
 آن نیز میفزاید برای دفاع از مرزهای شوروی نیست برای تجاوز به حاکمیت سیاسی و اقتصادی خلق ها است .
 جمهوری تود های چین بارها صریح و علنی اعلام داشته است که هرگز در استعمال سلاح اتنی پیشقدم نخواهد شد و هرگز
 علیه کشوری که به سلاح اتنی مجهز نیست سلاح اتنی بکار نخواهد برد . جمهوری تود های چین از آمریکا و شوروی خواست کسه
 آنها نیز در برابر خلق های جهان چنین تعهدی بیاورند . اتحاد شوروی مانند آمریکا تا کون از چنین تعهدی سر باز زد است .
 آیا امتناع شوروی از این امر بخاطر دفاع از مرزهای اتحاد شوروی است ؟ روشن است که چنین نیست . امتناع شوروی خصلت تجاوز
 کارانه نیروی انسانی و هسته ای شوروی را نشان میدهد و نه خصلت دفاعی آنرا .
 جمهوری تود های چین باز هم خواستار شد که در کفرانسی مرکب از همه کشورهای جهان اعم از کوچک و بزرگ ، تهیه و استعما
 سلاح اتنی تحریم گردد ، ذخائر سلاح اتنی و هسته ای موجود نابود شود . اتحاد شوروی از این پیشنهاد پشتیبانی نکرد ، چرا
 آیا برداشتن خطر کشتارده ها ملین انسان از بالای سر خلق های جهان ، جلوگیری از برانی کامل شهرها و شاید کشورهای امری
 است که میتوان یاباید درباره آن سکوت کرد یا با آن مخالفت ورزید ؟ آیا تحریم تهیه و استعمال سلاح اتنی ، و هسته ای و از بین بردن
 ذخائر موجود آن با دفاع از مرزهای شوروی مغایرت دارد ؟ نه . واقعیت امر این است که شوروی مانند آمریکا سلاح هسته ای را
 وسیله شاناز و ارهاب بخاطر تجاوز و توسعه مناطق نفوذ خود قرار داده است .
 نیروی جنگی شوروی ، ارتش شوروی ، سیا - نظامی شوروی و هدفهای آن همه از خصلت امپریالیستی اتحاد شوروی برمیخیزد
 و هیچ تقاضای با نیروی نظامی آمریکا ، سیاست نظامی آمریکا و هدفهای آن ندارد . از امپریالیسم جز پدیده های امپریالیستی
 نمی تراود



کشورشان را اشغال کرده اند . بروی آنها اسلحه هم میکنند ؟ آیا این
 تصویر صحنههایی از رفتار سربازان تزاری را در ایران بیاد نمی آورد ؟

عنوان مکاتبات
 X.DR.GIOVANNA GRONDA
 87030 ARCAVACATA (CS) ITALY
 حساب بانکی
 X.DR.GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO/ITALY

پیروزی انقلاب کامبوج بحدت ناراضی و خشمناک اند چون زخم
 های سرخ نخواهند طبق " رهنمود " شوروی با لون تول و
 امپریالیسم آمریکا از در سازش در آیند ، چون زخمهای سرخ کار
 انقلاب خود را خود بدست گرفتند و در انتظار نماندند که
 شوروی برای آنها " آزادی " و " استقلال " بارمان آورد .
 شوروی برای خلق ها آزادی و استقلال واقعی نمیخواهد ،
 انقلاب نمیخواهد ، در قاموس وی آزادی و استقلال خلقی فقط
 زمانی جامه عمل میپوشد که یوغ شوروی را برگردن بگیرد .

راه رهائی ایران از سرنگونی رژیم شاه میگذرد

ارتش شوروی - ارتش تجاوزکار و اشغالگر

غارت سرزمینهای دیگر، سرکوبی و انقیاد خلق های دیگر جز با قدرت نظامی میسر نیست. دامنه افزایش قدرت نظامی با ارتش آزمندی تناسب مستقیم دارد. اتحاد شوروی که فکرنفوذ و سیادت خود را در مقیاس سراسر جهان در سرب پروراند ناگزیر به نیروی نظامی خود توجه خاصی مبذول میدارد. افراد ارتش خود را با روحیه تعصب کورکورانه، بار وحیه دشمن دانستن خلقهای دیگر پرورش میدهد. در بالا بردن کمی و کیفی تسلیحات خود از هیچ کوششی باز نمی ایستد. بدین ترتیب بر اثر انحطاط جامعه سوسیالیستی به جامعه بورژوازی، ارتش شوروی از ارتش برادری میان خلقها، از ارتش مدافع آزادی و استقلال ملتها به ارتش اشغالگر و ستگر، از ارتش انقلابی و دیکتاتوری پرولتاریا به ارتش ضد انقلاب و دیکتاتوری پروروزی تبدیل شده است. ارتش شوروی که زمانی یار و یاور خلق های ستمدیده بود، همان ارتشی که خلق هارا از زیر یوغ فاشیسم رهائی بخشید، همان سربازانی که در هر جا که وارد میشدند خلق آنها را بشاره بیک های آزادی در آغوش می فشرد، اکنون بیک ارتش تجاوزکار مبدل گردیده که ندای آزاد یخواهانه و جنبش خلقی ها را بخاطر آزادی و استقلال خفه میکند و درهم میکوبد. نتیجه ناگزیر آن اینست که امروز خلق ها این ارتش را بحق ارتش استعماری میدانند و به آن کینه میورزند. در واقع هم ارتش شوروی امروز در خدمت هدفهای شوم و اسارت بار پروروزی نو - خاسته شوروی است، همان هدفهایی که تزارها در گذشته دنبال میکردند: سیاست نظامی شوروی امروز همان سیاست تزار های روسیه است. ارتش شوروی اکنون در درون شوروی و در خارج از آن آلت سرکوبی خلق های اوکراین، گرجستان، جمهوریهای بالتیک، چکسلواکی، لهستان، بلغارستان، مغولستان و غیره است، خلق هایی که برای رهائی از یوغ امپریالیسم روس در برافراشته رادیوی شوروی "بیک ایران" روز ۱۸ فوریه ۱۹۷۵ طی گفتاری این دروغ بزرگ را بر زبان آورد که: "سربازان شوروی جز بیکار آنهم برای درهم کوبیدن فاشیسم یا از مرزهای خویش بیرون نگذاشته اند". روزیونست ها به اندازه شاه دروغ میگویند و شاه در دروغگوئی رکورد جهانی را شکسته است. روزیونست ها چون واقعیت بسودشان نیست صاف و ساده آنرا نادیده میکنند. دروغ میگویند برای آنکه واقعیت را نفی کنند.

چه کسی امروز نمیداند که صدها هزار سرباز شوروی پیر از اوت ۱۹۶۸ برای "عادی کردن وضع" در چکسلواکی بسر میبرند، چه کسی نمیداند که در کشورهای رومینیستی شرق اروپا، عضو پیمان ورشو اتحاد شوروی قریب یک میلیون سرباز متمرکز ساخته است چه کسی نمیداند که تزارهای ارتش شوروی در این کشورها به نیروی پیاده محدود نمیشود، نیروی هوایی، نیروی زرهی، نیروی توپخانه و راکت شوروی نیز در این کشورها موضع گرفته است. روزیونست ها که در کشورهای رومینیستی رخنه اقامت افکنده اند ارتش شوروی را با چشم خود می بینند ولی آنچه را که می بینند انکار میکنند، در برابر توده های مردم دروغ میگویند تا چهره واقعی اربابان خود را بپوشانند.

شوروی همه کشورهای رومینیستی اقرار خود را در پیمان نظامی و تجاوزکار ورشو کرد آورده است. این پیمان تحت نظارت کامل وزارت جنگ شوروی است. در رأس پیمان مارشالها و ژنرالهای شوروی قرار دارند. فرمانده کل پیمان ورشو یک ژنرال روسی است. وزیر جنگ روسیه مارشال کرچنکووا که برای نظارت امور نظامی به این کشورها میفرستند. ارتش های این کشورها در واقع بخشی از ارتش است فرماندهان آنها زیر دست افسران عالی رتبه روسی انجام وظیفه میکنند. بدین ترتیب این کشورها از لحاظ نظامی نیز فاقد استقلال و حاکمیت اند و از همه بدتر اینکه سراج سایه اشغالگر را نیز بر عهده دارند.

از شرق اروپا فراتر رومینا و راه های جنگی شوروی از حدود مرزهای این کشور به مراتب دورتر میروند و نه تنها در دریای مدیترانه بلکه در همه دریاهای اقیانوسها در سطح آبها، در زیر دریاها پراکنده اند و روز بروز بر تعداد آنها میفزاید. بزودی کشتی های عظیم هواپیما بر آنها نیز راه دریاهای اقیانوسها را در پیش خواهند گرفت. بدین ترتیب بخش بزرگی از نیروی نظامی دریائی شوروی نیز در خارج از مرزهای ایر کشور به عملیات نظامی یا جاسوسی مشغول است. آیا باز هم میتوان ادعا کرد که سربازان شوروی پای خود را از مرزهای کشور بیرون نمیگذارند؟ البته روزیونست ها که هوادار استقرار استیلا ی امپریالیسم شوروی بر سراسر جهان اند مرزهای شوروی را به مرزهای جغرافیائی آن محدود نمیکنند و آنها را تا اقصی نقاط جهان گسترش میدهند!

تا قبل از اوت ۱۹۷۳ قریب بیست هزار شخص و کارشناس نظامی شوروی از افسر عالی رتبه گرفته تا گروهان و سرباز در مصر فرمانفرمایی داشتند، شوروی در مصر پایگاه های هوایی و دریائی داشت. دولت مصر بقید رضعه ۳

ده سال بیکار مسلحانه خلق تایلند

ده سال پیش آتش انقلاب تود های خلق تایلند علیه رژیم ارتجاعی بانکوک و امپریالیسم آمریکا شعلهور شد. در آن سال با اندام انقلابی چند نفر عمال مزد پرورزی بانکوک در یکی از هات توسط سپهبدستان انقلابی شعله مبارزه مسلحانه آغازیدن گرفت.

امپریالیسم آمریکا تایلند را به کشور نیمه مستعمره و یکی از پایگاه های نظامی خود در آورد و است بویزه از این پایگاه بود که در حلقه به خلقهای هندوچین استفاده مینمود. امپریالیسم آمریکا با تکیه بر رژیم دست نشانده خود در بانکوک به استثمار و استعمار خلق مشغول است. رژیم بانکوک که نماینده مملکان بزرگ ارضی و پروروزی کبریا در میانشه بنتها دست غارتگران امپریالیسم را در غارت کشور باز نموده بلکه به شدت ترین ترور و خفقان پروروزی دست یازیده است. با وجود ترور و خفقان شدید بیکار ارتش ارتجاعی بانکوک و نیروهای نظامی آمریکا آتش انقلاب خاموش نگردد به مردم این ده سال روز بروز بیشتر زیاده کشید و منوید بخش فرد ای پروروزی است.

در سال گذشته مبارزه دهقانان در تایلند با طرح شعار "زمین از آن دهقان و زمین از آن کسی که با خیش و کاواهن روی آن کار میکند" اوج گرفت. مبارزه دهقانان از پشتیبانی شدید کارگران و دانشجویان و محصلین و سایر اقشار خلق برخوردار بود. وحدت و مبارزه اقشار و طبقات مختلف خلق رژیم بانکوک را سراسیمه کرده است و هر روز مرگ او را نزدیکتر میسازد.

خلق تایلند در این ده سال بیکار تحت رهبری حزب کمونیست تایلند دریافت که تنها راه بیروزی بر رژیم ارتجاعی و اربابان امپریالیستش که تا دندان مسلح اند جنگ تود های طولانی است! خلق تایلند موفق شد که ارتش آزاد بیخیش تود های خود را در پیرویه تکامل نیروهای رزمنده آزاد بیخیش ایجاد نماید و آنها طی مبارزه آیدیده و نیرومند سازد. خلق تایلند موفق شد با استفاده از استراتژی و تاکتیک جنگ تود های طولانی در این ده سال جنگ را به بسیاری مناطق کشور گسترش دهد و صفوف دشمن را بپراکند سازد و ضربات بزرگی بآنها وارد آورد.

فرستنده "صدای خلق تایلند" در ششم اوت امسال بیجا ارتش آزاد بیخیش تود های تایلند را به ضااحت ده سالگی مبارزه مسلحانه خلق پخش کرد: در بیانیه گفته میشود که در ده سال گذشته نیروهای رزمنده آزاد بیخیش و صفوف انقلابی در مبارزه علیه ستم و حشیانه دشمن و برای نابودی وی شدید ارشد کرده اند. خلق تایلند با الهام از مبارزات و بیروزی خلقهای برادر هند و چین متحم است که آزادی و استقلال کشور را طی مبارزه ای بی امان بدست آورد. در سائنه چنین ذکر میشود که بیروزی بزرگ خلقهای هند و چین توازن قوا را در آسیای جنوب شرقی شدیداً بنفع انقلاب خلق تغییر داده است. این بیروزی مجدداً ثابت نمود که کشوری کوچک میتواند بر کشوری بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا بیروز گردد. در بیانیه بر این نکته تاکید میشود که اگر خلق جرات کند اسلحه بدست گیرد و راه محاصره شهرها از طریق دهات را بیماید و از راه قهر انقلابی بسوی تصرف قدرت سیاسی رود میتواند طبقه ارتجاعی حاکم سرتگون سازد حتی اگر طبقه حاکمه تا دندان مسلح باشد.

رژیم بانکوک مانند رژیم های سرتگون گردیده در هند و چین رزمی وابسته به امپریالیسم بویزه به امپریالیسم آمریکا است. لذا جهت عده مبارزه علیه رژیم بانکوک و امپریالیسم آمریکا است بیانیه چنین ادعا می دهد که پس از شکست سخت در هند و چین امپریالیسم آمریکا بروشنی در حال افول است. با استفاده از این امکان سوسیال امپریالیسم شوروی نفوذ خود را لجام گسیخته گسترش میدهد. این موجب تشدید تضاد مابین دو ابر قدرت بر سر سیادت جهان است. این رقابت دامنه خود را بر سر تایلند بقید رضعه ۳



مجسمه ای در براتیسلاوا پیاده بود آزادی چکسلواکی از یوغ فاشیسم بیک ارتش سرخ استالینی. سپهبدستان چکسلواکی پس از اشغال کشورشان بدست ارتش شوروی بر روی آن نوشته اند: پدر آزاد بیخیش، پسر اشغالگر! روسها بخانه خود برگردید!

کارگران حق خود را به زور گرفتند

در ۲۰ ماه اوت در کار شهر خاش اتفاق جالبی افتاد: از مدتی پیش دولت برای کشیدن راه آهن جدید ای از دهاتی ها این منطقه را برای تمریزی راه آهن بکار گرفته بود که البته هیچ روز مزد بودند و مزد روزانه کارگران دهاتی در گرمای ۵۰ درجه زیر آفتاب برابر بود با ۱۰ تا ۱۲ تومان. دهاتی ها مدتها در آن شرایط سخت و طاقت فرسا بکار پرداختند. میتوان اشار کرد باین موضوع که یک کارگر دهاتی حتی آب کافی برای نوشیدن در اختیار نداشت. بالاخره بعد از چند هفته کار دستمزدها آنها بعنوان مختلف به عقب میافتد و بالاخره در اثر فشار کارگران و شاجرات لفظی با مسئولین اداری علنا بآنها گفته میشود که از دستمزدهای خبری نیست و ضمناً بوسیله ژاندارها هم تهدید میشوند. بعد از این جریان دهاتیها میفهمند که دیگر هیچ مرجع نیست که بکار آنها رسیدگی کند و اگر حق خود را میخواهند باید بسا دست خود بگیرند. بنیشت کارگران دهاتی بدرخانه های دیگر دهاتی ها رفته و آنها را در جریان امر گذاشته و بالاخره عده زیادی از کارگران دهاتی با ضافه افراد خانواده و نزدیکانشان بسیج شدند، هرکس کنگک و یا بیلی بدست گرفته روانه محل مسئولین شد. وقتی که مسئولین اداری خبر یافتند که کارگران قصد خواب کردن محل کار و محل اداره آنها را دارند سراسیمه به اولین تهدید دهاتیها قول دادند تا فردا ظهر هر طور شده دستمزدهای آنها را از مرکز بخواهند و همین طور هم شد.

این نمونه نشان میدهد که خلق زحمتکار ما بخوبی میدانند تمام دم دستگاه فقط برای چاپیدن او بوجود آمده و اگر قرار باشد چیزی را از این دم دستگاه گرفت باید فقط به زور خود تکیه کرد.

مبارزه با امپریالیسم شوروی مبارزه بخاطر آزادی و استقلال است

شعله مقدس مبارزه خاموش شدنی نیست

بار دیگر آتش خشم مردم میهن ما علیه رژیم منفور شاه زبانه کشید و در تهران به برخورد خونینی انجامید برای توده های مردم که کاسه صبر آنها از اینهمه فشار و تضییقات، اینهمه خیانت و وطن فروشی و آدم کشی، اینهمه سیه روزی و فلاکت لبریز شده تنها قطره ای کافی است برای آنکه آنها را بمقاومت و قیام علیه رژیم برانگیزد.

رژیم خیانتکار و ضد ملی شاه که همه ثروتها، همه درآمدهای ملی ما را دریای بیگانگان ریخته و میریزد اکنون مدتی است به بهانه "فرار مغزها" که خود مسئول مستقیم آنست، به بهانه "عدم تخصص" کارگران ایرانی به استخدام کارمندان و کارگران خارجی دست زده است، از هند، کره و پاکستان پزشک استخدام میکند، از فیلیپین دختران پرستار به ایران میاورد، اخیراً هم تصمیم گرفته است ۲۰ تا ۳۰ هزار کارگر از کشورهای مختلف آلمان، کره و غیره بسوی ایران سرازیر کند.

رژیم ضد کارگری شاه که در ازاد دستمزدها بخور و نمیر کارگران ایران را بیرحمانه بدست استثمار سرمایه های بزرگ خارجی و داخلی می سپارد و بجای افزایش حتی ناچیز دستمزدها کارگران، آنها را به گلوله می بندد، اکنون به کارگران خارجی حقوق های کلانی که رقم آنها تا ده برابر حقوق کارگران ایرانی است می پردازد. در عوض کارگران ایرانی را با زهم بیشتر به بیگاری و مرگ می کشاند. این اقدام دولت شاه همراه با نارضائیات شدید و عمومی انگیزه های گردید برای آنکه دانشجویان بیدار دانشگاه تهران بعنوان اعتراض به تظاهرات بپردازند بلافاصله دستگاه سرکوبی شاه بکار افتاد. پلیس جنایتکار شاه که وظیفه ای جز سرکوب مقاومت مردم در برابر اجحافات و بیعدالتی ها برای خود نمی شناسد به انجام وظیفه پرداخت. زد و خوردی میان دانشجویان دانشگاه تهران و پلیس براه افتاد که به خیابانهای تهران کشیده شد. توده های مردم به پشتیبانی از دانشجویان علیه پلیس وارد نبرد شدند، پیکار خونینی در گرفت. ترازنامه این نبرد خیابانی هنوز معلوم نیست. بنا بر اطلاع رسیده تعدادی از دانشجویان دلیر و مردم غیور مقتول و مجروح گردیدند. اما این بار پلیس آدمکش نیز از کیفر مصون نماند. بار دیگر دانشگاه تهران در محاصره پلیس قرار گرفت.

هنوز خون کارگران مبارز شاهی خشک نشده که رژیم منفور شاه خیابانهای تهران را از خون پاک توده های مردم کارد به استخوان رسیده رنگین ساخت. شاه آدمکش برای خیانتها و جنایات، برای اجحاف و بیعدالتی حدود و شعوری نمی شناسد، کینه و نفرت توده های مردم نسبت به وی و رژیم منفورش از حد و حصر بیرون است و همین کینه و نفرت است که گهگاه بصورت شعله ای در جان رژیم شاه می اوفتد و نشان میدهد که مبارزه خلق پایان نمی پذیرد و شعله مقدس مبارزه را نمیتوان با هیچ اقدامی، نه با زور و نه با عوامفریبی خاموش کرد انید.

این بار هم توده های مردم دست خالی بجنگ پلیس تا دندان مسلح شاه رفتند و قهرمانانه به نبرد پرداختند ولی روشن است که نیروی مسلح شاه را جز با نیروی مسلح خلق، جز با توسل بجنگ توده های نمیتوان درهم شکست. توده های مردم ما باید به این مرحله مبارزه پراکنده، غیر متشکل و خود رو پایان بخشند. مبارزان انقلابی باید به این بیندیشند که احیا حزب طبقه کارگر سرآغاز و پایان مبارزه غیر متشکل، پراکنده و خود رو، سرآغاز مرحله نوین در مبارزه علیه شاه پست فطرت و رژیم منفور و حامیان بیگانه او است. تجربه سالهای اخیر در ایران و در مقابل آن تجربه خلقهای ویت نام، کامبوج و لائوس بوضوح نشان میدهد که راه پیروزی، راه برانداختن رژیم کنونی از احیا حزب طبقه کارگر میگردد. این حقیقی است که با هیچ

پرده‌های نمیتوان آنرا پوشانید .

ما به دانشجویان ، به توده های مردم که بار دیگر در برابر رژیم قهرمانانه ایستادند درود پرشور

می فرستیم .

ما در برابر شهیدان راه آزادی ایران ، در برابر مبارزان قهرمانی که بخاطر بارور کردن مبارزه مقدس خلق بدست دشیمان شاه گرفتار آمده و میایند سر تعظیم فرود میاوریم .

دیری نخواهد پایید که این مبارزات پراکنده و غیرمتشکل به مبارزات متشکل خواهد انجامید ، پیکار خلق در مسیر صحیح خواهد افتاد و آنگاه شعله مقدس مبارزه حریقی برخواهد انگیخت که شاه و رژیم و حامیان بیگانه اش در آن خواهند سوخت .

مرگ بر شاه آدمکش! سرنگون باد رژیم ضد ملی و فاشیستی شاه !

پیروز باد مبارزه خلق های قهرمان ایران بخاطر آزادی و استقلال !

موفق باد تلاش پیوندگان راه طبقه کارگر بخاطر احیای حزب طبقه کارگر ایران !